ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
شنبه • ۷ خرداد ۱۴۰۱
۲۶ شوال ۱۴۴۳ • ۲۸ می ۲۰۲۲
شماره ۲۰۹۴۷
۲۱۶۷

زندگی سلام

نبرد غول‌ها در شهر نورها

آشنایی با معروف‌ترین هواداران رئال و لیورپول در آستانه فینال لیگ قهرمانان اروپا و گفت‌وگو با یک آنالیزور فوتبال درباره این حرفه و بازی هیجان‌انگیز امشب

پرونده

امشب فینال لیگ قهرمانان اروپاست؛ بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی چند ماه اخیر که در ورزشگاه معروف «استادو فرانس» شهر پاریس که پیش از این هم میزبان فینال معروف برزیل فرانسه در سال ۱۹۹۸ بوده و به شهر نورها معروف است؛ برگزار می‌شود. در پرونده امروز زندگی سلام سراغ بازی امشب رفته‌ایم تا با معرفی دو تیم و طرفداران معروفش به نوعی در تنور این بازی جذاب بدمیم. همچنین با یک تئوریسین فوتبال درباره شغل‌اش و پیش‌بینی‌اش از این بازی گفت‌وگو کردیم.

نگاهی متفاوت به رئال، رموز موفقیت و محبوبیتش و آشنایی با معروف‌ترین هوادارانش

ما پادشاهان فوتبال در جهان هستیم!

برای این که طرفدار رئال مادرید باشید، نیاز به دلیل خاصی نیست. پادشاه فوتبال اسپانیا یا بهتر بگویم اروپا یا حتی جهان در قرن گذشته، یکه تاز بلامنازع در درو کردن جام‌هاست. حتی اگر از همه این‌ها بگذریم و از بازگشت‌های شگفت‌انگیز امسال‌شان هم چیزی نگوییم، نمی‌شود با ضربه سر دقیقه ۹۲:۴۸ «راموس» در آن فینال خاطره انگیز عاشق‌شان نشد. تیم محبوب ژنرال فرانکو آن‌قدر ها خوب بوده است که هیچ اما و اگری نتواند ذره‌ای خدشه به ابهت آن‌ها وارد کند. برای ما تجسم رئال مادرید، تجسم تیمی است است که همیشه فارغ از اسم، باید بهترین خودت باشی تا توسط طرفداران این تیم هو نشوی. نمی‌شود رئالی باشی و یاد شعار معروف هوادارش نیفتی که می‌گفت: «اگر رئال میلیون‌ها هوادار داشته باشد، من یکی از آن‌ها خواهم بود. اگر یک هوادار داشته باشد؛ من خواهم بود و اگر هیچ هواداری نداشته باشد، بدانید که من مرده‌ام.»

من هم رئالی‌ام

در دنیای فوتبال بسیاری فارغ از ملیت طرفدار معروف این تیم هستند؛ در این قسمت سعی داریم صرفا به بعضی از اسامی اشاره کنیم. افرادی همچون:

- **پوریا پورسرخ|** از راه‌اندازی کافه‌ای به نام این تیم تا به دست آوردن پیراهن بازیکن‌های این تیم، چیزی نیست که بتواند علاقه این بازیگر ایرانی بر این تیم را مخفی کند. هیچ جلسه‌ای در ایران نیست که مربوط به رئال مادرید باشد و خبری از «پوریا پورسرخ» در آن نباشد.
- **رافا نادال|** اگر به تنیس علاقه دارید و «نادال» قهرمان تنیس دنیا را می‌شناسید پس حتما از علاقه این بازیکن به تیم محبوبش یعنی رئال خبر دارید. این تنیسور مشهور اسپانیایی بارها از علاقه خود به باشگاه مادرید، سخن گفته است و از هواداران پروپا قرص این تیم به شمار می‌رود.
- **فرناندو آلونسو|** نمی‌شود عاشق هیجان، سرعت و موفقیت باشید و طرفدار رئال نباشید. راننده سرشناس اسپانیایی مسابقات فرمول‌وان، یکی از قهرمانان مسابقات اتومبیلرانی است که عشقش به باشگاه مادریدی را پنهان نکرده است.
- **اوسائین بولت|** سریع‌ترین فرد جهان هم در کلوب مادریدی‌هاست. قهرمان بی‌نظیر دوومیدانی جامائیکا که مدال های فراوانی را در ادوار بازی های المپیک مال خود کرده، شیفته باشگاه رئال مادرید است و بازی های این تیم را دنبال می‌کند.
- **تام کروز|** به نظر علاقه همین یک بازیگر به رئال مادرید برای طرفداری از این تیم کافی باشد. هنوز که هنوز است حضور «تام کروز» در سال ۲۰۰۷ در برنابئو و قرار گرفتن در کنار «ویکتوریا بکهام» در ذهن هواداران مادرید باقی مانده است. گفتنی است تام کروز روابط بسیار خوبی با بکهام و خانواده‌اش دارد.

نگاهی متفاوت به لیورپول، رموز موفقیت و محبوبیتش و آشنایی با معروف‌ترین هوادارانش

روح زندگی در «آنفیلد»

اگر باز بخواهیم به سبک «تری انگلتون» که فوتبال را افیون توده‌ها می‌خواند، سری به طرفداری فوتبال بزنیم و از کوچه فلسفه به دنبال آدرس سرراستی، برای مصداق این جمله بگردیم، شاید جایی را نزدیک‌تر و بهتر از «آنفیلد» پیدا نکنیم. این تیم سرخ‌رنگ، همچون خون در رگ‌های بندرنشین‌های «مرسی ساید» می‌جنبد و روح زندگی را در کالبدهای خسته ساکنان این شهر می‌دمد. این تیم نه افیون که همه چیز این شهر است. در این جا فوتبال یعنی تجسم آرزوهای دست‌یافتنی و نیافتنی یک شهر در قالب یک تیم، جایی که باید برای بردن جنگید، اما اگر باختید هم، «هرگز تنها قدم نخواهید زد». تجسم این هویت ما را پرت می‌کند به دنیای سینما، نمی‌دانم «تروی» را دیده‌اید یا نه، این فیلم برای من خلاصه می‌شود در شخصیت بی‌نظیر هکتور، جایی که برای یک شهر و آرزوهایش باید تا سر حد مرگ جنگید. داستان لیورپول هم این سال‌ها خیلی شبیه هکتور درام «پترسون» است؛ جایی که شما می‌بازید، حتی می‌میرید، اما همچنان قهرمان خواهید ماند. قهرمانی در پی هر لیز خوردن یا از دست دادن هر جامی، هیچ‌گاه تنها قدم نخواهد زد. این است که هواداران این تیم به زعم دوست و دشمن شده‌اند، پرشورترین و وفادارترین هواداران فوتبال در جهان.

من هم لیورپولی‌ام

در دنیای فوتبال بسیاری فارغ از ملیت طرفدار معروف این تیم هستند؛ در این قسمت سعی داریم صرفا به بعضی از اسامی اشاره کنیم. افرادی همچون:

- **عادل فردوسی‌پور|** کسی هست که از علاقه «عادل فردوسی‌پور» گزارشگر سابق فوتبال و مجری برنامه‌های فوتبالی ایران نسبت به این تیم بی‌خبر باشد؟ عکس‌های عادل با لباس این تیم در کنار واکنش‌هایش حتی روی آنتن زنده تلویزیون بر کسی پوشیده نبوده است.
- **نلسون ماندلا|** شاید تصور این که رهبر آزادی‌بخش آفریقای جنوبی هم یک طرفدار لیورپول باشد سخت باشد اما این رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴ با تیم دیدار کرد و پیراهنی از «جان بارنز» به او اهدا شد. او سپس اعتراف کرد که از طرفداران این باشگاه است.
- **امیلیا کلارک|** ملکه اژدها در سریال محبوب «بازی تاج و تخت» را به یاد دارید؟ او هم یکی دیگر از طرفداران سرسخت لیورپول است که به گفته خودش بازی‌های این تیم را دنبال می‌کند. «دنریس» محبوب سریال بازها کلی عکس با بازیکن‌های لیورپول هم دارد.
- **لبرون جیمز|** بسکتبالیست آمریکایی مشهور جهان پس از توافق با مالکان لیورپول، به یکی از سهامداران اقلیت در باشگاه تبدیل شد. او بعدها با پوشیدن پیراهن چوگان لیورپول در یکی از کنفرانس های مطبوعاتی خود پس از بازی NBA در ایالات متحده، عشق خود را به قرمزها نشان داد.
- **لنا دل ری|** خواننده معروف انگلیسی هم از شیفتگان تیم شماره یک بندر لیورپول است. او برای یک مستند درباره این باشگاه شعر معروف «تنها گام نخواهی زد» را هم خوانده است. عکس او با تابلوی معروف «این جا آنفیلد است» بسیاری از طرفداران لیورپول را سر ذوق آورده است.

مقایسه افتخارات لیورپول و رئال مادرید

شانس لیورپول روی کاغذ بیشتر است

با «نوید خرم‌خورشید»، پژوهشگر حوزه تئوری فوتبال درباره این حرفه ارزیابی‌اش از لیگ ایران و پیش‌بینی فینال گفت‌وگو کردیم

کدام پسر بچه‌را می‌شناسید که دیوار اتاقش از پوسترهای بازیکن‌های فوتبال خالی باشد و شبی در رویاهایش، خودش را به جای فلان ستاره مستطیل سبز نگذاشته باشد اما در این میان هستند کسانی که در پی لگد زدن به توپ و فضای فیزیکی بازی، به دنبال تئوری‌های مستتر در پشت این معجون زندگی یعنی فوتبال هستند. «نوید خرم‌خورشید»، ۳۲ ساله که ۸ سال است در زمینه فوتبال پژوهش انجام می‌دهد؛ یکی از آن‌هاست. او که بیشتر علاقه مند به مباحث تئوری فوتبال است، در این مسیر چند کلاس را از طریق آکادمی‌هایی مانند «کوچ ویس» با افرادی مثل «رودفاریا» دستیار مورینیوی بزرگ هم دوره گذرانده است.

مثل هر کس دیگری از کودکی عاشق فوتبال بوده‌ام

«نوید» با لهجه شیرین شیرازی‌اش با ذوق از علاقه دوران کودکی‌اش می‌گوید: «علاقه‌ام به فوتبال مانند هر پسر دیگری در ایران از کودکی شکل گرفته است اما این علاقه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱، یعنی در اوج دوران باشگاه بارسلونا، که همه دوستانم به این مدل از فوتبال علاقه مند هستند، بیشتر هم شد. من در آن زمان برخلاف دوستان شیفته سبک بازی «مورینیو» بودم و به همین دلیل به دنبال چرایی و چگونگی بازی این سبک به سمت تئوری و آنالیز فوتبال کشیده شدم. همان‌طور که الان هم سبک بازی «کونته» در تاتنهام را می‌پسندم. برای این منظور سراغ کلاس رفتم. کلاس‌های من کلاس مربی‌گری نبوده است بلکه راجع به تئوری فوتبال است. این کلاس‌های آنلاین برای کسی که به مطالب نظری فوتبال علاقه‌مند است و زبانش هم خوب است یک دریا مطلب مفید وجود دارد که می‌تواند برای شروع یک فرایند آموزشی و سیر مطالعاتی عالی باشد. من خلاصه مطالعاتم را در پادکست «کاتبک» در اختیار عموم قرار می‌دهم.»

حوزه تئوری و عملی در فوتبال کاملا جداست

«من به کار عملی در این حیطه علاقه‌ای ندارم». «نوید» با گفتن این جمله به دنبال فرق کار خودش با آنالیزور رفته و ادامه می‌دهد: «به طور کلی حوزه عملی و تئوری از هم جداست و به همین دلیل است که استفاده‌ای که من از این علم می‌کنم بیشتر در تولید محتواست و به هیچ وجه از این که به صورت عملی مثلا در یک تیم حضور داشته باشم، استقبال نکردم و خودم را هم مناسب آن حیطه نمی‌دانم. مسئله بعد این است که من اصلا آنالیزور نیستم. شاید از یک نگاه بشود من را آنالیزور خطاب کرد چرا که به هر حال بخشی از کار من تحلیل فوتبال است اما به طور کلی کاری که آنالیزورها در حیطه فوتبال می‌کنند با کاری که ما می‌کنیم یعنی تحلیل فوتبال، کلی فرق دارد. این طور بگویم که آن‌ها وارد جزئیات می‌شوند و دنبال راهکار برای اتفاق‌هایی که قرار است در زمین بیفتد هستند اما ما یا بهتر بگویم من دغدغه‌ام بیشتر فهمیدن اتفاقاتی است که در زمین رخ داده است. بنابراین این دو با هم فرق دارند».

ذهن فوتبالی بیشتر مربی‌های ایرانی سنتی است

«نوید» در ادامه به ارائه نظراتش راجع به فوتبال ایران می‌پردازد و می‌گوید: «براساس برخوردهایی که داشتم با دوستان آنالیزور یا دستیاران تیم‌های لیگ برتری متوجه شدم به عنوان مثال فلان سرمربی تیم لیگ برتری اصلا اعتقادی به این مسائل ندارد. این حرف اصلا نشان دهنده ضعف این سرمربی نیست. مسئله این است که این فرد ترجیح می‌دهد سنتی برخورد کند. البته حق هم دارد چون هیچ جای فوتبال ما مدرن نشده است که یک سری بخواهند با ابزارهای مدرن در تئوری فوتبال کار خودشان را پیش ببرند. در نهایت آنالیز تاکتیک و تئوری‌های فوتبال، ۴۰ درصد ابزار موفقیت است پس باید به یک مربی که کنترل کردن تیم برایش اهمیت بیشتری دارد حق بدهیم که وارد مسائل تئوری نشود اما از آن طرف هم هیچ علاقه‌ای به نزدیک شدن به فوتبال روز دنیا و ایجاد گفت‌وگو میان کادر فنی و بازیکن هم نمی‌بینیم. راجع به تدارک تیم ملی برای جام جهانی هم باید بگویم مانند دوره‌های قبل اصلا خوب نیست و این نگران کننده است. همچنین خیلی فرق است بین اسکوچیچ و کی‌روش و من نظرم همچنان به کی‌روش است».

رئال قهرمان می‌شود یا لیورپول؟

«نوید» راجع به لیگ قهرمانان و بازی نیمه‌نهایی هم نظرات جالبی دارد. او با توضیح بازی نیمه‌نهایی بین منچسترسیتی و رئال، لیورپول را قهرمان این دوره می‌داند و می‌گوید: «خب راجع به فینال چمپیونز هم باید بگویم شانس لیورپول روی کاغذ بیشتر است حتی بدون فابیانو. یک مزیتی که یورگن کلوپ در مقایسه با سرمربی‌های پیشین که با رئال بازی کردند، دارد- چیزی که می‌توانید در نیمه‌دوم بازی با وبا رئال ببینید- توانایی کلوپ در توانایی حل مسئله در میان بازی است که بیشتر از توخل یا حتی گواردیولا است. خب این جاست که من فکر می‌کنم کلوپ توانایی بردن بازی را دارد. درباره بازی قبلی منچسترسیتی با رئال و تعویض‌های گواردیولا باید این نکته را بگویم که زمانی این تعویض‌ها صورت گرفت که تیم پیش بود و خیلی طبیعی بود که تیم برنده بخواهد بازی را کنترل کند. هرچند فکر کنم در آن بازی دیبروینه احساس ناراحتی هم می‌کرد. در کل کنترل کردن بازی کاری است که خیلی از مربی‌ها به سراغ آن می‌روند؛ مثلا خود آنجلوتی بعد از گل سوم به سراغ این کار رفت. پس در وهله اول باید حق بدهیم به گواردیولا که بخواهد بازی را کنترل کند. در ضمن اگر بخواهیم راجع به یک بازی حرف بزنیم و این که بگوییم در یک بازی چه اتفاقی افتاده است باید به قول یکی از دوستان، فکر کنیم بازی ۰-۰ شده است و بعد راجع به اتفاقات آن بازی صحبت کنیم. چرا که همه آن چیزی که رخ می‌دهد حاصل تکنیک و فنی بازی نیست مثلا همان توپی که فرلان مندی از روی خط درآورد اگر گل می‌شد ما الان داشتیم از نبوغ گواردیولا صحبت می‌کردیم. پس وقتی ما می‌خواهیم به آنجلوتی اعتبار بدهیم باید در نظر بگیریم که تیم گواردیولا ۱۷۸ دقیقه پیروز بازی بوده است و در ۲ دقیقه بازی را واگذار کرد. پس نتیجه دقیق به ما نمی‌گوید چه شده است و ما باید برویم تک‌تک دقایق بازی را کامل ببینیم و بعد راجع به آن حرف بزنیم».